

بازی بزرگ جنگ



کیومرث اشترینان

حمله مجدد آمریکایی-اسرائیلی نشان داد که این، ملاحظات استراتژیک است که یک جنگ را پدید می‌آورد و نه بهانه‌های موردی یا موضوعی. آشکار است که آمریکا در پی سلطه بر منابع انرژی و گذرگاه‌های اصلی جهانی است. برای آمریکا این، نه یک جنگ تمدنی و نه یک جنگ ایدئولوژیک، بلکه یک جنگ حیاتی برای منابع انرژی است. بار دیگر، مانند جنگ جهانی دوم، ایران در گذرگاه تحولات بزرگ جهانی قرار گرفته است. گویی ایران نخستین مهره دومینو است که با حذف آن می‌خواهند کل منطقه را، اقبانوس آرام را، چین و روسیه و اوکراین را و حتی سرنوشت اروپا و کانادا را تعیین کنند. استراتژی‌های بزرگ تعیین می‌کند که جنگ آغاز شود یا نه. سیاست‌مداران، بازیگران صحنه‌های تاریخی و اسیر ساختارهای بین‌المللی هستند. ازاین‌رو مسئله فراتر از ترامپ و نتانیاهو است. این، جنگ سرمایه‌داری جهانی است که با ایدئولوژی اسرائیلی-صهیونی توجیه می‌شود. سخنان مقامات آمریکایی در صراحت شگفت‌آور است. سفیر آمریکا در اسرائیل و فرستاده آمریکا در خاورمیانه تام باراک مانند ایدئولوگ‌های اصلی جریان سرمایه‌داری بیش از دیگران تبختر و فاش‌گویی دارند. تام باراک اساساً رسمیتی برای کشورهای منطقه قائل نیست و آن دیگری صراحتاً از نیل تا فدرات را متعلق به اسرائیل می‌داند. همه اینها برای سلطه سرمایه‌داری آمریکایی بر جهان است.

این به آن معناست که برای کشورهای کوچک‌تر جنگ یک فرایند است و نه یک حادثه. کشورها به‌تدریج جنگ را «انتخاب» می‌کنند، به‌آرامی ارتباطات بین‌المللی خود را تنظیم می‌کنند، رفته‌رفته جبهه سیاسی خود را تعیین می‌کنند و گام به گام در باتلاق جنگ فرو می‌روند یا از آن خارج می‌شوند. این حمله نشان داد که جنگ‌ها در نتیجه برهم‌خوردن موازنه‌ها یا برای پدیدارشدن موازنه‌های جدید است. جریان قدرت اقتصادی در جهان در حال برهم‌خوردن است، دلار در معرض تهدید است، چین در صعودی تاریخی است و همه اینها سرمایه‌داری جهانی را با تهدیدی تاریخی مواجه کرده است.

این جنگ نشان داد که ابزارهای روانی-رسانه‌ای، فراخوان مردم به خیابان‌ها و تظاهرات دیاسپورا ایرانی در اروپا، همه و همه برای این بازی استراتژیک جهانی است و نشان می‌دهد که اگر این بازی اقتضا کند (و اگر بتوانند) هیچ ابایی از تخریب و تجزیه ایران ندارند؛ چون این‌جنگ برای آنان حیاتی است و سرنوشت منابع انرژی و سرنوشت سلطه بر جهان را در قرن ۲۱ رقم می‌زند.

بنابراین ایران باید خود را برای سناریوهای گوناگون آماده کند؛ از یک جنگ طولانی مدت تا سناریوی تجزیه و تشکیل حکومتی دست‌نشانده در یک استان، تا اشغال جزایر در خلیج فارس و تا اقداماتی شبیه آنچه در جنگ دوم جهانی در ناکازاکی اتفاق افتاد. سرمایه‌داری جهانی، آنچه که منافع حیاتی‌اش اقتضا کند، دست به هر کاری می‌زند. درک این وضعیت خطیر جهانی است که برای همه ما ایرانیان مسئولیت ملی می‌آفریند. این جنگ را نباید دستمایه اختلافات سیاسی ایرانیان قرار داد. مسئله در چارچوب استراتژی‌ها و موازنه بین‌المللی و بسیار فراتر از یک مسئله داخلی است. همه جناح‌های داخلی درون حکومت تردیدی برای مقاومت ندارند. مردم نیز امید است که با وجود همه ناملایمات، صبورانه‌ای و تمامیت‌سرزمینی‌شان ایستادگی کنند و بدانند که اینان همه ایران و فرهنگ و تاریخ و منابع آن را نشانه گرفته‌اند.

یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۴
۱۱ رمضان ۱۴۴۷
۱ مارس ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۳۹
۳۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

گزارش «شرق» از تجاوز دوباره اسرائیل و آمریکا به خاک ایران

باز هم میز مذاکره در آتش جنگ سوخت



این گزارش را در صفحه‌های ۸ و ۲ بخوانید، عکس:اکبر توکلی،ایرنا

یادداشت

به بهانه آغاز ۵سالگی جنگ در اوکراین

نگاهی دوباره به ایده معامله بر سر ایران



نویدمجیدی

روزنامه‌نگاروتحلیگر

تمهیداتی هستند. ازاین‌رو اگر -حتی بر فرض- سراسر اوکراین هم دوباره به خاک زیر حاکمیت روسیه بازگردد، مرز لهستان دیوار نهایی روسیه و اروپا را ترسیم خواهد کرد و امکان پیشروی، چه با قدرت نظامی (که با برآورد ظرفیت‌های نظامی کتونی مسکو، بعید به نظر می‌رسد) و چه با معامله! برای روسیه شدنی نیست و رؤیای گسترش بیشتر حضور در بخش‌های خاوری اروپا و ساختن بلوک نفوذ، فعلا در حد یک ایده ذهنی و مطلبی بیان‌شده در تحلیل‌های رسانه‌ها باقی خواهد ماند.

دو بنا بر آنچه بخشی از آن را بیان کردیم، جنگ اوکراین دستاورد چندانی در زمینه پارکشی، آن‌هم در همسایگی یا جغرافیای نزدیک، برای مسکو نداشته است و شُرکایش نیز در اروپا فعلا به همان اسلواکی و مجارستان محدود شده و شمار کشورهایی هم که پیش‌تر مایل و موکد به حضور روسیه در اروپا بودند (مانند آلمان و فرانسه) کاهش یافته است؛ از بخش‌های خاوری روسیه نیز عملاً امکان گسترش نفوذ، به دلیل حضور و ظهور

چین و نیز ژاپن، در تصور نمی‌گنجد؛ یعنی موقعیت کتونی گونه‌ای تحدید ژئوپلیتیک برای خرس گرفتار پدید آورده است؛ ازاین‌رو روس‌ها ناگزیر باید به بخش‌های جنوبی خودشان نگاه ویژه داشته باشند، که شامل بخش‌های گسترده‌ای از آسیا و اروپاست اما درگیری در اوکراین مجال چندانی برای روسیه باقی نگذاشته تا در پهنه سیاسی و تجاری آسیا و آفریقا عرض اندام کند و تا به اینجا قافیه را به چین باخته و حتی در قفقاز که روزگاری حیاط خلوتش بود نیز این تحدید، دامنه خود را گسترانده است! پس گزینه‌ها محدود شده و بیشترین پیوند و اتکای مسکو به کشورهای پیرامونی‌اش به‌علاوه کره شمالی است، با توجه به این حصر ژئوپلیتیک، اکنون پرسش این است که در چنین شبه‌محاصره‌ای چرا باید روسیه و آمریکا بر سر اوکراین و ایران معامله کنند؟ در مطالعات تاریخی و سیاسی، وجود «منطقه حائل» میان قدرت‌ها در گذر تاریخ، یک واقعیت جاری بوده و آنان بیش از اندازه به حریم یکدیگر نزدیک نمی‌شوند، بنابراین روسیه چگونه حاضر است که آمریکا در مرزهای جنوبی‌اش در قفقاز یا ایران حضور داشته باشد؟ به نظر می‌رسد برآورد اصلی از فضای حاکم بر منطقه و جهان، این باشد که تلاش برای دیکته هژمونی (یا بازیابی) ابرقدرتی آمریکا و نیز گرفتاری مسکو سبب شده تا شرایط برای حضور آمریکایی‌ها در منطقه فراهم‌تر شود.

پ درست است که هم‌زمان با گفت‌وگوهای تهران-واشنگتن،



مکرون خواستار برگزاری نشست اضطراری شورای امنیت

۴

برگزیده‌ها

بیش از ۸۵ دانش آموز قربانی اولین روز جنگ

۵

روایت‌های متناقض از آمار تلفات روبرویی نظامی پاکستان و افغانستان

«تورخم»؛ گلوگاه ملت‌هب جنگ

۴

«شرق» از تکاپوی شهروندان ایرانی برای تأمین مایحتاج اساسی خود گزارش می‌دهد

شوک جنگ به اقتصاد

۳

اینترنت برای سومین بار قطع شد

۶

گزارش «شرق» از آغاز جنگ در آستانه نوروز ۱۴۰۵

اضطرار جنگ

۵

شکل‌های زندگی: تأملی پیرامون مفهوم «هژمونی» در آرای گرامشی

سین مثل سرکردگی

۷

یادداشت

خیابان بهشت

در شهر بهشتِ تعارضِ منافع



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

ماجرای رد صلاحیت داولطلبان انتخابات شورای شهر تهران هرچند با مسروری بر تاریخ انتخابات در دهه‌های اخیر اتفاق جدید و غیرمنتظره‌ای نیست، اما اصرار بر این شیوه حذف رقبای آن‌هم در روزهایی که جامعه زخم‌دار و نیازمند مرهمی از نوع وحدت حول منافع ملی است، بسیار سؤال‌برانگیز است. سخنان یکی از اعضای فعلی شورا که با فن رد صلاحیت از سوی رقبای خاک شده، شنیدنی است. او می‌گوید هیئت نظارت بدون ارائه توضیح روشن، او را مشمول بند «شهرت به فساد» دانسته است. نکته تامل‌برانگیز این است که اگر این فرد که در طول پنج سال گذشته عضو شورا بوده و پرونده‌ای علیه او کشوده نشده، به‌درستی مشهور به فساد باشد، نهاد نظارت و حکمرانی کجا بوده که چنین فردی را تحمل کرده و دم برنمی‌آورده! و اگر چنین اتهام سنگینی درست نباشد، معنایش این است که رقبای سیاسی او از هر تفرندی برای تصرف خیابان بهشت استفاده می‌کنند و ابایی از ریختن آبروی مردم و در مظان اتهام قراردادن تمام ارکان حکومت ندارند. به‌ویژه اینکه او در دوران عضویتش در شورا مرتکب جرم سنگین انتقاد از شهردار شده و به‌طور متوسط هر ۱۰ روز یک بار درباره پرونده‌های مختلف به او تذکر داده است و به‌راستی چه جرمی سنگین‌تر از این؟! گفتنی است سه عضو دیگر شورا هم به دلبلی مشابه حذف شده‌اند. این اتفاق برمعنی بهترین شاهد این مدعاست که سازوکارهای برگزاری انتخابات در کشورمان به‌شدت نیازمند بازنگری هستند، زیرا انتخابات باید با این هدف برگزار شود که مردم خواسته خود را درباره اداره امور کشور و شهر خود بیان کرده و اراده خود را حاکم کنند.

^[1] ادامه‌دهنده‌ی صفحه ۳